

بررسی و مقایسه سبک اسناد دانش آموزان دختر مضطرب (حالت و صفت اضطراب) و عادی شهر تهران

دکتر زهره خسروی - زهرا مهدیفر

دانشگاه الزهرا "س"

چکیده

گستن (ASQ) اجرا شد. نتایج بدست آمده از پژوهش با استفاده از روش تحلیل واریانس، آزمون t و آزمون تعقیبی شفه مورد تجربه و تحلیل قرار گرفت. در مجموع نتایج پژوهش نشان داد که افراد مضطرب (حالت اضطرابی بالا و صفت اضطرابی بالا) موفقیت ها را بیشتر به عوامل بیرونی و شکست ها را بیشتر به عوامل درونی نسبت می دهند.

افراد نرمال (با حالت اضطرابی پایین و صفت اضطرابی پایین) موفقیت ها را بیشتر به عوامل درونی و شکست ها را بیشتر به عوامل بیرونی نسبت می دهند.

در نتیجه عواطف منفی چون اضطراب بر چگونگی اسناد دانش آموزان برای موفقیت ها و شکست ها تأثیر معناداری داشت.

اضطراب^۱ از جمله مشکلات رایجی است که

هدف از انجام این پژوهش بررسی و مقایسه سبک اسنادی در افراد مضطرب (حالت اضطراب- صفت اضطراب) و نرمال بود. تئوری ها و یافته های تجربی و تحقیقاتی نشان می دهد که حالات خلقی منفی و مثبت بطور متفاوت بر فرآیندهای شناختی مثل حافظه، قضاوت‌های اجتماعی و اسناد اثر می گذارد.

بر پایه این یافته ها فرض بر این بود که افراد مضطرب در مقایسه با افراد نرمال شکست ها را بیشتر به عوامل درونی و موفقیت ها را بیشتر به عوامل بیرونی نسبت می دهند. به منظور بررسی فرضیه های مورد نظر تعداد ۲۷۲ دانش آموز دختر دبیرستانی از منطقه ۴ آموزش و پرورش به شیوه نمونه گیری خوشه ای انتخاب شد و پرسشنامه حالت- صفت اضطراب اسپیلبرگر (STAL_Y) و پرسشنامه سبک اسنادی

بعد دیگر بعنوان پایداری و ناپایداری باید در نظر گرفته شود. زیرا دسته ای از علل درونی و بیرونی چون استعداد نسبتاً پایدار و دائمی هستند. در حالیکه برخی دیگر همچون تلاش و خلق ناپایدارند. بنابراین با اضافه کردن این بعد دوم، طرح دو در دو معروف واینر (بیرونی^۳ و درونی^۴ در مقابل پایدار^۵ و ناپایدار^۶) مطرح شد. واینر در سال ۱۹۷۲ بعد توانایی کنترل و عدم توانایی کنترل را به ابعاد خود اضافه کرد. استعداد هنری و زیبایی فیزیکی یک علت درونی و غیرقابل کنترل است و یا اینکه برخی عوامل بیرونی که برای فرد غیر قابل کنترل است که از جانب دیگران می تواند قابل کنترل باشد. به همین خاطر واینر منبع کنترل^۷ را تر (۱۹۶۶) را حذف کرده و به جای آن منبع علیت را جایگزین کرد به نظر او منبع کنترل توصیف کننده ادراکات علی هستند. متداولترین ادراکات علی تلاش، توانایی، دشواری تکلیف و شانس و اقبال می باشند. منبع درونی یا بیرونی، سبک اسناد، عواطف وابسته به عزت خود را که همراه عملکرد هستند تحت تأثیر قرار می دهند (واینر ۱۹۸۶). فرد

امروزه افراد زیادی از آن رنج می برند. همچنین یکی از مشکلات عمده دانش آموزان در سطح مدارس بوده و از موانع مهم پیشرفت تحصیلی و سازگاری فردی بشمار می رود.

موضوع "اسناد"^۱ سالهاست که مورد توجه روانشناسان اجتماعی، بالینی، و شناختی است. هدف نظریه اسناد، بررسی شیوه هایی است که افراد توسط آن، رویدادها و حوادث گوناگون را تبیین کرده و بدنبال روابط علت و معلولی بین آنها هستند. به عبارت دیگر مردم به منظور فهم و شناخت بیشتر از محیط و در نتیجه کنترل بیشتر محیط، روش های اسنادی را بکار می گیرند (هاروی و ویری ۱۹۸۴). اولین روانشناسانی که به موضوع اسناد توجه کرده اند، فرتیز هایدنر (۱۹۵۸)، جونز و دیویس (۱۹۶۵)، و واینر (۱۹۷۱) را می توان نام برد. در این میان نظریه اسنادی واینر از اهمیت بیشتری برخوردار است که به توضیح مختصر آن می پردازیم.

بر اساس نظریه اسنادی واینر^۲ مردم پیامدهای شکست یا موفقیت خود را به عوامل درونی (شخصی) و یا به عوامل بیرونی نسبت می دهند منظور از عوامل درونی مثل تلاش و توانایی و منظور از عوامل بیرونی مثل شانس و دشواری تکلیف است. واینر (۱۹۷۱) معتقد بود که برای علیت یک

1- attribution

2- weiner

3- internal

4- External

5- stable

6- unstable

7- locus of control

تنش و بیم شناخته می‌گردد. زمانیکه شما مضطرب می‌شوید سیستم عصبی خودمختار شما فعال شده، ضربان قلب تندتر شده و میزان فشار خون بالا می‌رود و دستهای شما عرق می‌کند. میزان اضطراب تجربه شده به شدت محرکی که موجب تنش شده بستگی دارد، یعنی به همان میزان که آن را درک می‌کنید و آن موقعیت را ارزیابی می‌کنید. "حالت اضطراب" ^۴، حالت هیجانی زودگذری است که از نظر شدت و نوسان متفاوت است و بوسیله احساس تنش و بیم و فعالیت افزایش یافته سیستم عصبی خودمختار توصیف می‌گردد. "صفت اضطراب" ^۵، نشانگر صفت و ویژگی نسبتاً پایدار فرد در آمادگی برای اضطراب است (اسپیلبرگر، جورساج و لاشن ۱۹۷۰). بهر صورت "اضطراب" هیجانی است که در زندگی روزمره هر فرد رخ می‌دهد و انسان‌ها آن را تجربه می‌کنند. اگر این حالت هیجانی شدت یابد و طولانی‌گردد و همچنین با موقعیت تناسب نداشته باشد، در آن صورت از حالت نرمال دور شده و به اختلال بالینی نزدیک می‌گردد. در مطالعات همه‌گیر شناسی اطلاعات قابل توجهی در مورد شیوع اختلالات اضطرابی بدست آمده است. بر اساس

پس از موفقیتی که آن را به عوامل درونی نسبت داده احساس غرور می‌کند و اگر شکست را به عوامل درونی نسبت دهد احساس شرمساری می‌کند همچنین اسناد پایداری وقایع، انتظارات آینده را تعیین می‌کند بدان معنا که وقتی موفقیت یا شکست خود را به عوامل پایدار نسبت دهیم اعم از درونی یا بیرونی مطابق عملکرد خود، امیدهای خود را کم یا زیاد کرده ولی اگر همان بازدهی را به عوامل ناپایدار نسبت دهیم امید به آینده نسبتاً بدون تغییر باقی می‌ماند.

از جمله متداولترین سوگیری‌های اسنادی، سوگیری خدمت به خود ^۱ می‌باشد. در این وضعیت ما تمایل داریم برای موفقیت‌های خود ارزش زیادی قائل شده و آن را به عوامل درونی خود نسبت دهیم در حالیکه دیگران را به خاطر شکست‌هایشان سرزنش می‌کنیم. عبارتی ما تمایل داریم که شکست‌های خود و موفقیت‌های دیگران را به عوامل (خارجی) موقعیتی اسناد دهیم (مثل بیانات ورزشکاران و سیاستمداران پس از پیروزی یا شکست). دلیل این نوع سوگیری‌ها می‌تواند عوامل شناختی و هیجانی باشد (فیسکه و تایلر ^۲ ۱۹۹۱).

متغیر مستقل پژوهش حاضر سازه اضطراب است، بنابر اظهار اسپیلبرگر ^۳ (۱۹۷۲) اضطراب یک حالت هیجانی ناخوشایند است، که با نگرانی،

1- self-serving bias 2- Fiske- Taylor
3- Spielberger 4- state- anxiety
5- trait- anxiety

- برخی گزارش‌ها (رایت^۱ ۱۹۹۱) حدود ۶ تا ۲۷٪ بیماران روانی از اختلالات اضطرابی رنج می‌برند. مایرز و هارنیک (۱۹۷۵) گزارش کردند که شیوع اختلالات اضطرابی از هر نوع ۴/۳٪ می‌باشد و بین اختلالات اضطرابی هم پوشی زیادی وجود دارد (بخشانی ۱۳۷۲). زنها دوبار بیشتر از مردها از این اختلال در عذابند، معدودی از مطالعات نشان‌دهنده انتشار خانوادگی اضطراب می‌باشند (پورافکاری ۱۳۷۱).
- در زمینه رابطه بین افسردگی و اضطراب مطالعات متعددی در ابعاد مختلف صورت گرفته است گرچه تصور مردم از اضطراب و افسردگی دو تجربه خلقی مجزا است (فیلدمن^۲ ۱۹۹۳).
- بر طبق مدل شناختی بک، هر اختلال نوروتیکی می‌تواند بوسیله یک محتوای شناختی ویژه آن بیماری توصیف شود. اختلالات اضطرابی بوسیله موضوع خطر توصیف شده و افراد مضطرب تمایل دارند تجربیاتشان را بعنوان یک تهدید روانی، اجتماعی و فیزیکی تعبیر کنند. همچنین در برآورد احتمال وقوع و شدت صدمات قابل انتظار در آینده، زیاده روی می‌کنند. در حالیکه تصویرسازی بیماران افسرده در اطراف موضوع ناچیز شماری خود و نگرش‌های منفی به سمت گذشته و آینده، تمرکز دارد (بک^۳ و ایمری ۱۹۸۵ نقل از بک و براون^۴ ۱۹۸۷).
- از نقطه نظر مدل‌های شناختی، افسردگی و اضطراب در ادراک از تهدید همگرایی دارند اما تفاوت اصلی آنها این است که اضطراب به سمت آینده جهت داده شده و معطوف به پیش بینی تهدید است در حالیکه پاسخهای افسردگی، ارتباط با حوادث منفی گذشته و یا نزدیک در جهت عزت خود و توانایی برای مواجهه با دنیا دارد (دابسن^۵ ۱۹۸۵).
- استارک^۶ و همکاران (۱۹۹۳) اظهار می‌دارند که ادراکات منفی در مورد خود، جهان و آینده بین کودکان افسرده و مضطرب تفکیک ایجاد کرده است. از طرف دیگر مطالعات متعددی گزارش کرده‌اند که افسردگی و اضطراب قویاً با هم همبستگی داشته و افتراق بین افسرده‌ها و مضطربها در نمونه‌های بالینی و غیر بالینی به علت هم‌پوشی آنها در علامت‌شناسی دشوار می‌باشد (برابر، چارنی، هنینگر، دابسن ۱۹۸۵، کوتلیب ۱۹۸۴) در نتیجه حاصل مطالعات در باب افسردگی می‌تواند در باره افراد با نشانه‌های اضطرابی، هم کاربرد داشته باشد (جانلن ۱۹۸۸).

1- Right

2- Feldman

3- Beck

4- Brown

5- Dobson

6- Stark

فرضیه های پژوهش

فرضیه های پژوهش حاضر عبارت است از:

فرضیه اول: افراد با نمره اضطراب بالا (حالت اضطرابی) در مقایسه با افراد با اضطراب متوسط و پائین شکستها را بیشتر به عوامل درونی نسبت می دهند.

فرضیه دوم: افراد با اضطراب بالا (صفت اضطرابی) در مقایسه با افراد با اضطراب متوسط و پائین شکستها را بیشتر به عوامل درونی نسبت می دهند.

فرضیه سوم: افراد با اضطراب بالا (حالت اضطرابی) در مقایسه با افراد با اضطراب متوسط و پائین موفقیت ها را بیشتر به عوامل بیرونی نسبت می دهند.

فرضیه چهارم: افراد با اضطراب بالا (صفت اضطرابی) در مقایسه با افراد با اضطراب متوسط و پائین موفقیت ها را بیشتر به عوامل بیرونی نسبت می دهند.

ابزارهای مورد استفاده در پژوهش

الف: پرسشنامه حالت - صفت اضطراب

آزمون حالت - صفت اضطراب اسپیلبرگر در طی ۲۰ سال گذشته یکی از متداول ترین آزمونها جهت ارزیابی اضطراب در پژوهش ها بوده است (براس،

فیلدمن (۱۹۹۳) با تجزیه و تحلیل چهار مجموعه اطلاعاتی گسترده در مورد رابطه بین سازه افسردگی و اضطراب نتیجه می گیرد که خود سنجی های اضطراب و افسردگی سازه های خلق منحصر بفردی را در نمونه های غیربالینی نمی سنجد و بایستی به جای سنجش اضطراب و افسردگی سنجش پریشانی کلی مورد توجه قرار گیرد. وی با ذکر تحقیقات انجام گرفته بیان میکند که خود سنجی سازه اضطراب و افسردگی حتی در گروههای تشخیصی مجزا قابل تفکیک نبوده اند.

با توجه به ارتباط و هم پوشی بین اضطراب و افسردگی و تحقیقات اندک بعمل آمده در مورد سبک اسناد افراد مضطرب علی الخصوص در مورد سبک اسناد حالت و صفت اضطرابی، می توان از تحقیقات متعددی که در زمینه سبک اسناد افسردگی بعمل آمده، در مورد بررسی سبک اسنادی افراد مضطرب نیز بهره گرفت. هدف تحقیق حاضر بررسی سبک اسنادی افراد مضطرب در دو سطح حالت اضطرابی و صفت اضطرابی است و همانطور که ذکر شد به لحاظ تحقیقات اندکی که در این زمینه صورت گرفته و با توجه به نتایج تحقیقات در مورد افسردگی فرضیات پژوهش تدوین می گردد.

مثبت و منفی در نظر گرفته شده است.

در یک مطالعه مقدماتی، ضریب اعتبار بدست آمده با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۶۹ بدست آمد که بیانگر آن است که تست از اعتبار نسبی برخوردار است.

تجزیه و تحلیل داده ها

به منظور تحلیل داده ها از روش های تجزیه و تحلیل واریانس و آزمون تعقیبی ۲ شفه و برای مقایسه دو میانگین از آزمون t استفاده شد.

در هر مقیاس از آزمون STAI-y آزمودنیها به سه گروه تقسیم شدند که عبارت است از گروه بالای میانگین، گروه پایین میانگین و گروهی که برابر با میانگین بودند که در جداول به نام گروه متوسط بیان شده است.

نتایج بدست آمده در مورد گروه حالت اضطرابی و صفت اضطرابی بطور کلی در جدول ۱ بیان می گردد.

۱۹۷۸؛ اسپیلبرگر و عبدالخالق، ۱۹۸۹). این پرسشنامه دارای دو مقیاس جداگانه حالت اضطراب و صفت اضطراب است، که هر کدام بطور جداگانه شامل ۲۰ عبارت است. یعنی در مجموع دارای ۴۰ عبارت است. هر عبارت ۴ گزینه ای است، که آزمودنی بایستی یکی از گزینه ها را انتخاب کند. در مقیاس حالت از آزمودنی خواسته می شود تا احساس خود را "همین الان" و "در این لحظه" بیان کند. در مقیاس صفت از آزمودنی خواسته می شود که احساس خود را بطور کلی مشخص نماید.

بررسی مقدماتی به منظور هنجاریابی و اعتبار و روایی این پرسشنامه توسط پناهی (۱۳۷۲) در سطح مدارس شهر تهران انجام شده است.

ب: پرسشنامه سبک اسنادی کستن (CASQ)^۱

این پرسشنامه در سال ۱۹۸۴ به منظور بررسی ارتباط افسردگی کودکان و درماندگی آموخته شده توسط پترسون و سلیگمان بکار گرفته شده است. پرسشنامه متشکل از ۴۸ عبارت است و هر عبارت شامل دو گزینه است. هر سوال متشکل از دو موقعیت خوشایند (مثبت) یا ناخوشایند (منفی) است. به علاوه مقیاس بعد درونی و بیرونی، پایدار و ناپایدار، کلی و یا خاص را می سنجد. در تحقیق حاضر عمدتاً اسنادهای درونی و بیرونی موقعیت

1- children's Attributional Questionnaire

2- Post hoc test

جدول شماره ۱ - میانگین و انحراف معیار گروه حالت اضطرابی و گروه با صفت اضطرابی

گروه	میانگین	انحراف معیار
حالت اضطرابی	۴۵/۴۲۷	۱۲/۷۴۲
صفت اضطرابی	۴۸/۰۶۷	۱۰/۷۸۵

با بررسی جداول بدست آمده از نتایج ارزیابی فرضیه های پژوهش میسر می گردد.

جدول شماره ۲ - میانگین و انحراف معیار نمرات مربوط به گروههای حالت اضطرابی و صفت اضطرابی

گروه	میانگین	انحراف معیار
گروه با صفت اضطرابی بالا	۵۲/۱۳۸۶	۱۱/۲۱۲۰
گروه با صفت اضطرابی پایین	۳۷/۴۲۲۶	۹/۷۵۵۰
گروه متوسط	۴۰/۵۶۸۲	۸/۹۴۲۶

در مورد داده ها جدول ۲ تحلیل واریانس بعمل آمد و نتایج در جدول ۳ تنظیم شد.

جدول شماره ۳ - نتایج تحلیل واریانس نمرات مربوط به گروههای حالت اضطرابی و صفت اضطرابی

منبع تغییرات	مجموع مجدورات	درجه آزادی	میانگین مجدورات	F	P
درون گروهها	۲۷۰۶۹/۰۲۲۷	۲۴۴	۱۱۰/۹۳۸۶	۸۵۰۰۱	۰/۰۰۰۱
بین گروهها	۱۲۸۶۹/۰۹۹۵	۲	۶۴۳۴/۵۴۹۸		
مجموع	۳۹۹۳۸/۱۲۲۳	۲۴۶			

نتایج بدست آمده نشان داد بین گروهها تفاوت

معنی داری وجود دارد

$$[F(۲, ۲۴۴) = ۵۸ / ۰۰۱ P < ۰ / ۰۰۰۱]$$

آزمون شفه در مورد حالت اضطرابی گروه با

صفت اضطراب انجام شد و اختلاف معنادار بدست

آمد بدین معنی که بین گروه با صفت اضطرابی پایین

و گروه با صفت اضطرابی بالا تفاوت معنادار وجود

دارد و گروه با صفت اضطرابی بالا، حالت اضطرابی

بیشتری دارند. همچنین در مقایسه گروه با صفت

اضطرابی بالا و گروه متوسط از لحاظ حالت

اضطرابی با احتمال ۰/۹۹۹ تفاوت معنادار وجود

دارد و گروه با صفت اضطرابی بالا، حالت اضطرابی

بیشتری نشان دادند.

جدول شماره ۴- میانگین و انحراف معیار نمرات اسنادهای منفی و گروه با حالت اضطرابی

گروه	میانگین	انحراف معیار
گروه با صفت اضطرابی بالا	۱۰۲/۲۱۰۱	۸/۲۴۴۱
گروه با صفت اضطرابی پایین	۱۰۵/۵۱۶۲	۶/۷۹۵۸
گروه متوسط	۱۰۵/۲۹۴۳	۸/۹۲۰۰

درمورد داده های جدول ۴ تحلیل واریانس بعمل آمد و نتایج در جدول ۵ تنظیم شد.

جدول شماره ۵- نتایج تحلیل واریانس نمرات مربوط به اسنادهای منفی و گروه با حالت اضطرابی

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	P
درون گروهها	۱۲۲۳۴/۳۳۵۳	۲۵۲	۵۶/۴۸۵۵	۶/۰۴۳۹	۰/۰۰۲
بین گروهها	۶۸۲/۷۸۷۵	۲	۳۴۱/۳۹۳۷		
مجموع	۱۴۹۱۷/۱۲۲۸	۲۵۴			

F بدست آمده با درجات آزادی ۲ و ۲۵۲ برابر است با ۶/۰۴۳۹ و با احتمال ۰/۰۰۲ معنادار می باشد.

$$F(۲ و ۲۵۲) = ۶/۰۴۳۹ \quad P < ۰/۰۰۲$$
متوسط تفاوت معنی داری نداشتند. بنابراین فرض

اول پژوهش تایید می گردد.

آزمون شفه در مورد گروههای با حالت اضطرابی

در رابطه با اسنادهای منفی انجام شد. بین گروه دیگر

با حالت اضطرابی بالا و گروه با حالت اضطرابی پایین

با احتمال ۰/۹۹۸ تفاوت معنادارست بعبارت دیگر

گروه با حالت اضطرابی بالا اسنادهای منفی درونی تر

داشتند و گروه با حالت اضطرابی پایین اسنادهای

منفی بیرونی تر داشتند اما هیچکدام از دو گروه با

اضطراب بالا و پایین با گروه مضطرب با اضطراب

جدول شماره ۶- میانگین و انحراف معیار نمرات اسنادهای مثبت در گروههای با حالت اضطرابی

گروه	میانگین	انحراف معیار
گروه با صفت اضطرابی بالا	۱۱۰/۱۲۹۳	۹/۱۵۰۱
گروه با صفت اضطرابی پایین	۱۰۷/۵۱۵۵	۷/۹۱۵۷
گروه متوسط	۱۰۸/۴۸۹۱	۹/۰۰۶۵

در مورد داده های جدول ۶ تحلیل واریانس بعمل آمد و نتایج در جدول ۷ تنظیم شد.

جدول شماره ۷- نتایج تحلیل واریانس نمرات مربوط به اسنادهای مثبت در گروههای با حالت اضطرابی

منبع تغییرات	مجموع مجدورات	درجه آزادی	میانگین مجدورات	F	P
درون گروهها	۱۸۸۲۱/۷۵۷۲	۲۶۰	۷۲/۳۹۱۴	۲/۹۸۱۵	۰/۰۵
بین گروهها	۴۳۱/۶۶۸۰	۲	۲۱۵/۸۳۴۰		
مجموع	۱۹۲۵۳/۴۲۵۲	۲۶۲			

F بدست آمده با درجات آزادی ۲ و ۲۶۰ برابر است با ۲/۹۸ که معنادار بود. اما نتایج آزمون شفه تفاوت معنی داری را نشان نداد.

یکبار نیز فقط به مقایسه دو گروه با اضطراب بالا و گروه با حالت اضطرابی بالا اسنادهای مثبت بیرونی تر و پائین از طریق آزمون t پرداخته شد.

$$t_1(253) = 2/45 \quad P < 0/015$$

$$t_2(146) = 0/363 \quad P < 0/05$$

$$t_3(121) = 0/49 \quad P < 0/625$$

با توجه به T بدست آمده و مراجعه به جدول معنادار بودن t با توجه به درجات آزادی مذکور فقط t_1 معنادار بدست آمد بعبارتی بین گروه با حالت اضطرابی بالا و گروه با حالت اضطرابی پایین در مورد اسنادهای مثبت تفاوت معنادار باشد. یعنی

گروه با حالت اضطرابی بالا اسنادهای مثبت بیرونی تر داشتند و گروه با حالت اضطرابی پایین اسنادهای مثبت درونی تر دارند. در نتیجه فرض سوم پژوهش تایید می گردد.

جدول شماره ۸- میانگین و انحراف معیار نمرات اسنادهای منفی در گروه با صفت اضطرابی

گروه	میانگین	انحراف معیار
گروه با صفت اضطرابی بالا	۱۰۲/۹۶۷۱	۷/۷۵۰۴
گروه با صفت اضطرابی پایین	۱۰۵/۵۰۶۳	۷/۴۴۷۵
گروه متوسط	۱۰۴/۰۸۰۰	۷/۱۱۱۱

در مورد داده های جدول ۹ تحلیل واریانس بعمل آمد و نتایج در جدول ۱۰ تنظیم شد.

جدول شماره ۹- نتایج تحلیل واریانس نمرات مربوط به اسنادهای منفی و صفت اضطرابی

منبع تغییرات	مجموع مجدورات	درجه آزادی	میانگین مجدورات	F	P
درون گروهها	۲۸۲/۰۴۵۳	۲	۱۹۱/۰۲۲۶	۳/۳۱۱۸	۰/۰۳
بین گروهها	۱۴۵۳۵/۰۷۷۵	۲۵۲	۵۷/۶۷۸۹		
مجموع	۱۴۹۱۷/۱۲۲۸	۲۵۴			

F بدست آمده با درجات آزادی ۲ و ۲۵۲ برابر است با ۳/۳۱۱۸ و با احتمال ۰/۰۳۸ معنادار می باشد.

داشته و گروه با صفت اضطرابی پایین اسنادهای منفی بیرونی تر دارند. بنابراین فرض دوم پژوهش تایید می گردد. اما هیچکدام ازدو گروه اضطرابی بالا و پایین با گروه اضطرابی متوسط تفاوت معنی داری نداشتند.

$$P < 0/03 \quad F(2 \text{ و } 252) = 33118$$

آزمون شفه در مورد گروههای با صفت اضطرابی

در رابطه با اسنادهای منفی انجام شد. بین گروه با

صفت اضطرابی بالا و گروه با صفت اضطرابی پایین با

احتمال ۹۷، تفاوت معنادار میباشد بعبارت دیگر

گروه با صفت اضطرابی بالا اسنادهای منفی درونی تر

جدول شماره ۱۰ - میانگین و انحراف معیار نمرات اسنادهای مثبت گروه با صفت اضطرابی

گروه	میانگین	انحراف معیار
گروه با صفت اضطرابی بالا	۱۱۰/۸۸۷۱	۸/۲۴۱۷
گروه با صفت اضطرابی پایین	۱۰۵/۷۵۱۸	۸/۵۰۸۵
گروه متوسط	۱۰۹/۹۲۵۵	۵/۱۶۴۳

در مورد داده های جدول ۱۱ تحلیل واریانس بعمل آمد و نتایج در جدول ۱۲ تنظیم شد.

جدول شماره ۱۱ - نتایج تحلیل واریانس نمرات مربوط به اسنادهای مثبت و صفت اضطرابی

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	P
درون گروهها	۱۶۴۱/۹۹۰۵	۲	۸۲۰/۹۹۵۲	۱۲/۱۲۰۵	۰/۰۰۰۱
بین گروهها	۱۷۶۱۱/۴۳۴۸	۲۶۰	۶۷/۷۳۶۳		
مجموع	۱۹۲۵۳/۴۲۵۲	۲۶۲			

F با درجات آزادی ۲ و ۲۶۰ برابر است با ۱۲/۱۲۰۵ و با احتمال ۰/۰۰۰۱ معنادار می باشد.

$P < 0/0001$ $(F_{2,260} = 12/1205)$ عبارت است از:

- آزمون شفه در مورد گروههای صفت اضطرابی
در رابطه با اسنادهای مثبت انجام شد بین گروه با
صفت اضطرابی بالا و گروه با صفت اضطرابی پایین
در سطح ۰/۹۹۹ اختلاف معنادار می باشد.
- (۱) افراد با حالت اضطرابی در مقایسه با افراد
نرمال شکستها را بیشتر به عوامل درونی نسبت
می دهند.
- عبارت دیگر گروه با صفت اضطرابی بالا
اسنادهای مثبت بیرونی تر دارند و گروه با صفت
اضطرابی پایین اسنادهای مثبت درونی تر دارند اما
هیچیک با گروه اضطراب متوسط تفاوت نداشتند
بنابراین فرض چهارم پژوهش تایید می گردد.
- (۲) افراد با صفت اضطرابی در مقایسه با افراد
نرمال شکستها را بیشتر به عوامل درونی نسبت
می دهند.
- (۳) افراد با حالت اضطرابی در مقایسه با افراد
نرمال موفقیت ها را بیشتر به عوامل بیرونی نسبت
می دهند.
- (۴) افراد با صفت اضطرابی در مقایسه با افراد
نرمال موفقیت ها را بیشتر به عوامل بیرونی نسبت
می دهند.

بحث و نتیجه گیری

- هدف پژوهش حاضر بررسی و مقایسه سبک
اسنادی افراد مضطرب (حالت - صفت) با افراد
عادی می باشد. کلیه فرضیه های پژوهش مورد تایید
قرار گرفت و نتایج بدست آمده از پژوهش حاضر
- تحقیقات متعدد انجام شده در مورد افسردگی و
اضطراب نشان می دهد که علیرغم آنکه مردم سازه
اضطراب و افسردگی را دو تجربه مجزا می دانند

منفی بیشتر بر حسب علت‌های درونی آنها تفسیر می‌گردد. اسنادهای درونی و پایدار برای حوادث منفی که به علت‌های غیرقابل کنترل نسبت داده میشود با افزایش افسردگی بطور مثبت همبستگی داشته‌است. اسناد شکست به عوامل درونی و پایدار باعث کاهش عزت نفس شده و با افسردگی همراه می‌گردد (براون و سیکل ۱۹۸۸).

در نتیجه اسناد شکست ها و وقایع منفی به عوامل درونی و اسناد موفقیت ها به عوامل بیرونی همانطوریکه در مطالعات افسردگی نشان داده شد در مطالعات مربوط به اضطراب (علی‌الخصوص اضطراب اجتماعی) نیز بدست آمده‌است. افراد با اضطراب اجتماعی پایین مانند افراد با انگیزه پیشرفت بالا عمل کرده و بیشتر موفقیت ها را به خودشان اسناد می دهند. اما برای شکست ها بیشتر اسناد بیرونی دارند، در حالیکه افراد با اضطراب اجتماعی بالا مسئولیت بیشتری برای نتایج اجتماعی شکست بعهده گرفته و برای موفقیت ها اسناد بیرونی تر داشتند (سابوگال ۱۹۸۳).

این سبک تبیینی در افراد با اضطراب بالا و در افراد با اضطراب پایین در مطالعه مینسکی (۱۹۸۵) نیز بدست آمد. در افراد با اضطراب بالا، سبک اسنادی منفی نیز بالاست و سطوح بالای اضطراب با سطوح بالای حوادث منفی همبسته میباشد در

روانشناسان قادر به تفکیک این نبوده‌اند. فیلدمن (۱۹۹۳) با تحلیل تحقیقات گسترده‌ای که در این زمینه صورت گرفته به این نتیجه میرسد که خود سنجی افسردگی و اضطراب حتی در گروه‌های تشخیصی قابل تفکیک نبوده‌اند. نتایج پژوهش حاضر نیز همسان با این یافته‌ها می‌باشد. همانطوریکه مطالعات متعددی نشانگر همبستگی قوی بین افسردگی و اضطراب بوده‌اند. افتراق بین این دو سازه به علت هم‌پوشی آنها در علامت شناسی دشوار می‌باشد (برایر، چارنر، هنینگر، ۱۹۸۵ کوتلیب ۱۹۸۴). بنابراین نتایج مطالعات افسردگی می‌تواند برای افراد با نشانه‌های اضطرابی نیز کاربرد داشته‌باشد.

تحقیقات متعددی که در زمینه سبک اسنادی افسردگی بعمل آمده نشانگر نوع سبک اسنادی بدینانه و منفی در مورد وقایع میباشد. در این حیطه می‌توان از تحقیقات براون و سیکل (۱۹۸۸)، رابینز (۱۹۸۸)، آبرامسون و دیگران (۱۹۷۸)، ایندلیچ (۱۹۸۹)، هارتلیج (۱۹۹۰)، دولان و وسلی (۱۹۹۰) هوفارت، مارتین سن (۱۹۹۱)، باربارا بوچ (۱۹۹۲)، پترسون و سلیگمن نام برد بر طبق این یافته‌ها افراد افسرده یا مستعد برای افسردگی (هارتلیج ۱۹۹۰) در مورد وقایع منفی و شکست‌ها اسناد درونی، پایدار و کلی داشته و حوادث بدو

کنند (بک، براون ۱۹۸۷).

این الگو در یافته های پژوهش حاضر نیز بدست آمد که افراد مضطرب شکستها و عواقب ناخوشایند را به خود نسبت میدهند و برای موفقیت ها و موقعیت های خوشایند بیشتر اسنادهای بیرونی میدهند بعبارت دیگر سوگیری اسنادی در افراد مضطرب (حالت - صفت) بر خلاف افراد بهنجار عمل می کند یعنی افراد مضطرب (حالت - صفت) به جای آنکه موفقیت ها را به خودشان نسبت دهند آن را به عوامل بیرونی از خود اسناد داده و علل وقایع منفی را بیشتر به خود نسبت می دهند (فاگین، تگلوسی ۱۹۸۴).

بر طبق مدل شناختی بک (بک، براون ۱۹۸۱) سوگیری در افراد مضطرب و افسرده به شکل منفی است افراد افسرده یک دید منفی از خود، جهان و آینده دارند و طرحواره های منفی در آنها منجر به پردازش اطلاعات بطور منفی می گردد (استارک ۱۹۹۳) و این با یافته های پژوهش حاضر مورد سبک اسنادی منفی افراد مضطرب همسان می باشد. آلن (۱۹۹۰) مطرح می کند بین صفت و حالت اضطراب افتراق وجود دارد یعنی اگر فردی عکس العمل اضطرابی به خاطر یک موقعیت اضطرابی خاص باشد او دارای خلق مضطربانه است. علیرغم آنکه اسپیلبرگر بین این دو تمایز قائل است

حالی که زمانیکه اضطراب پایین باشد و سبک اسنادی هم پایین، حوادث زندگی، اضطراب کمتری را ایجاد میکند بوج (۱۹۹۲). افراد مضطرب دارای نمرات درونی بیشتری در مورد وقایع منفی بوده، کودکانیکه متعلق به خانواده های از هم گسیخته بودند بیشتر شکستها را به عوامل درونی خود نسبت دادند و خود را بعنوان مسئول جدایی والدین محسوب می کردند (فزیستون ۱۹۸۹) به نقل از بوج (۱۹۹۲).

از نقطه نظر مدل های شناختی و بطور عمده نظریه "بک" هر اختلال روانی بوسیله یک محتوای شناختی ویژه آن بیماری توصیف می گردد. افسردگی و اضطراب از جنبه ادراک از تهدید با هم همگرایی داشته اما تفاوت در این است که اضطراب به سمت آینده جهت داده شده و پیش بینی تهدید است در حالی که افسردگی در ارتباط با حوادث گذشته و یا نزدیک در جهت عزت نفس فرد و توانایی برای مواجهه با دنیاست. بنابراین افکار بیماران افسرده در اطراف موضوع ناچیز شماری خود و نگرش های منفی در جهت گذشته و آینده مرکزیت دارد و بیماران مضطرب نیز تمایل دارند که تجربیاتشان را بعنوان یک تهدید روانی - اجتماعی یا فیزیکی تفسیر کنند و شدت صدمه پیش بینی شده (مورد انتظار) در موقعیت های آینده را زیاد برآورد

شکل معکوس وجود دارد. (فاگین، تگلاسی ۱۹۸۴).

بر طبق مدل درماندگی آموخته شده افراد غیر افسرده قدرت بیشتری را به خود نسبت می‌دهند (آبرامسون و دیگران (۱۹۷۸). در حالیکه اسناد افراد غیر افسرده بطور خودبخودی اسناد بیرونی برای حوادث منفی است (هارتلیج ۱۹۹۰) و این موضوع با یافته های سابوگان (۱۹۸۳) منیسکی (۱۹۸۵) در مورد افراد مضطرب و با یافته دموس و دیگران (۱۹۹۳) در مورد افسردگی همسان میباشد. دموس (۱۹۹۳) دریافت که در دخترانی که در خلاقیت شفاهی بالا بودند، سطوح پایین افسردگی و سبک اسنادی مثبت همبستگی داشت.

تئوریهای اخیر شناختی - عاطفی نشان می دهد که حالات خلقی می تواند بر قضاوت‌های اجتماعی مثل اسناد اثر گذارد اثر خلقی بر قضاوت اجتماعی از طریق روشهای زیر صورت می گیرد: ۱- تسهیل و آمادگی ساختارهای همسان با خلق که بر تفسیر از جزئیات اثر می گذارد ۲- تسهیل انتخابی یادآوری از طریق اطلاعات همسان یا خلق ۳- تمرکز، توجه و یادگیری انتخابی بر جزئیات یک محرک پیچیده هماهنگ و همسان با خلق (فورگاس، باور ۱۹۹۰). اصل یادآوری هماهنگ با خلق (باور نقل از وایتر ۱۹۸۶) نیز نقش احساسات را تایید میکند در

اما او همچنین معتقد است که صفت اضطراب بر حالت اضطراب اثر گذاشته و موقعیت های تهدید کننده در افرادی که صفت اضطرابی بالاتری دارند ایجاد حالت اضطرابی بالاتری میکند تا در افرادی که صفت اضطرابی پایین دارند. این موضوع نیز با یافته های پژوهش همسان میباشد. افرادی که صفت اضطرابی بالا و سبک اسنادی بدبینانه داشته اند همان الگو در افراد با حالت اضطرابی بالا نیز به چشم می خورد در حالیکه در افراد با صفت اضطرابی پایین نیز همان الگو در افراد با حالت اضطرابی پایین به چشم می خورد در نتیجه علیرغم آنکه ایندو از هم متمایزند اما در نحوه اسناد علل به وقایع بیرونی و علل درونی با هم همخوانی دارند.

یافته های پژوهش حاضر در مورد سبک اسنادی افراد نرمال نیز با همین نتایج همسان می باشد بدین معنا که افراد نرمال در مقایسه با افراد با حالت اضطرابی بالا، موفقیت ها را بیشتر به عوامل درونی نسبت می دهند و شکستها را به عوامل بیرونی نسبت می دهند همین الگو در مورد مقایسه افراد نرمال و افراد با صفت اضطرابی نیز صدق می کند در نتیجه سوگیری اسنادی در افراد بهنجار بر خلاف افراد مضطرب می باشد و افراد بهنجار تمایل به ارزیابی مثبت خود در مقایسه با دیگران دارند در حالیکه این سوگیری یا در افراد مضطرب وجود ندارد و یا به

حالت خلقی آنها متأثر شده بود و افراد با حالات و صفت اضطرابی اسنادهای منفی را به درون خود و اسنادهای مثبت را به عوامل بیرون از خود نسبت دادند. عبارتی در مورد پیامدهای شکست بیشتر خود را سهم میدانستند و در مورد پیامدهای موفقیت بیشتر آن را به عوامل بیرون از خود نسبت میدادند. بنابراین خلق‌های مضطربانه (حالت اضطراب و صفت اضطرابی) موجب شدند که این افراد سبک اسنادی متفاوت از افراد غیر مضطرب داشته باشند و وقایع را به شکل منفی ارزیابی کنند.

بنابراین یافته‌های پژوهش حاضر نیز با مدل شبکه تداعی باور نیز همسان می‌باشد. افرادی که مضطرب هستند در نتیجه موضوعاتی که تهدید کننده‌تر می‌باشد را در حافظه داشته و با بروز اضطراب آندسته از اطلاعاتی که جنبه تهدیدکنندگی دارد را با احتمال بیشتری بیاد می‌آورند. یعنی عاطفه مسلط در فرد منجر به این میشود که اطلاعات با بار عاطفی مشابه (در فرد) قابل دسترس تر باشند و از آنجائیکه عاطفه مسلط در اضطراب، منفی و ناخوشایند است، قابلیت دسترسی به این اطلاعات بیشتر تسهیل شده و فرد وقایع منفی و ناخوشایند را بیشتر به خودش نسبت دهد و وقایع مثبت را به عوامل بیرونی از خود نسبت دهد.

یافته‌های پژوهش حاضر مبنی بر اسناد منفی

این نظریه احساسات همانند یک صافی و فیلتری عمل می‌کند. این صافی بر مواد ورودی تنظیم شده اثر می‌گذارد و مواد همخوان با خلق درک‌کننده را میپذیرد اما مواد غیر همخوان و ناهماهنگ را کنار می‌گذارد. احساسات باعث می‌شوند که مواد همخوان برجسته تر شده، بارزتر شده و علاقه بیشتری را بوجود آورد و موجب پردازش عمیق تر و یادگیری بیشتر مواد همخوان میگردد. در نتیجه با توجه به اصل همخوانی باور، احساسات مثبت بطور انتخابی، درک و پردازش اطلاعات ارزیابی شده مثبت را افزایش میدهد در حالیکه احساسات منفی بطور انتخابی درک و فرآیند اطلاعات ارزیابی شده منفی را افزایش میدهد در نتیجه فرد در خلق مثبت بایستی بیشتر متمایل به توجه به وقایع مثبت بوده و در یک خلق منفی بایستی بیشتر متمایل به درک وقایع منفی و تفسیر آنها بطور منفی تر باشد. این موضوع توسط تحقیقات دیگری از جمله توسط ایسن، شالکر، ۱۹۸۲، میچل، ایسن و زیس ۱۹۷۳، پستمن و براون ۱۹۵۲ (واینر ۱۹۸۶) نیز تأیید شده است.

تأثیر حالات خلقی بر اسناد و تسهیل و آمادگی ساختارهای همسان با خلق و همچنین اصل یادآوری هماهنگ با خلق در پژوهش حاضر نیز تأیید شد. بدین معنی که اسناد افراد مضطرب از

افراد در حالت اضطرابی همسان با تحقیقات فورگاس و دیگران می باشد (فورگاس و باور ۱۹۹۰، شوارتز و گلر ۱۹۸۸، کلارک و آیزره ۱۹۸۸). یعنی افراد در یک خلق منفی نقش خود را کمتر برآورد کرده و برای دیگران قدرت و نقش بیشتری فائلند در نتیجه افرادی که در حالت اضطرابی بالا بودند در مقایسه با افراد نرمال وقایع منفی و ناخوشایند را بیشتر به خود نسبت می دهند و وقایع مثبت را به عوامل بیرونی نسبت می دادند.

نتایج پژوهش حاضر در تأیید نظریه یادآوری همخوان با خلق بوده و تأثیر حالات عاطفی و خلقی را بر قضاوت و اسناد فرد تأیید می کند اما با اینحال بنظر میرسد که منطقی ترین و صحیح ترین الگو به منظور توجیه و تفسیر پدیده های روانی در نظر گرفتن مجموعه عاطفه و شناخت با هم می باشد، بدون اینکه به مسئله تقدم و تأخر آنها توجه گردد زیرا ایندو رابطه ای بسیار پیچیده و در هم تنیده دارند. عاطفه و شناخت تأثیری متقابل داشته و بایستی بصورت متعامل آنها را در نظر آورده و در همه موقعیت ها باید با هم در نظر گرفته شوند گرچه نمی توان انکار کرد که در برخی موقعیت ها امکان دارد یکی از ایندو بیشتر غلبه داشته باشد اما تک بعدی دیدن این موضوعات موجب دید محدود محقق و از دست دادن بسیاری از واقعیت های

موجود در وجود پیچیده انسان می گردد.

بنابراین عواطف و شناخت ها بصورت مشترک و متقابل در قضاوتها و اسنادهای ما تأثیر می گذارند.

منابع:

- ۱- سیف - علی اکبر (۱۳۷۱) - استرس و اضطراب از دیدگاه نظریه های یادگیری - پژوهش در مسائل روانی - اجتماعی شماره ۷ و ۶، سال ۴ زمستان ۱۳۷۰ و بهار ۱۳۷۱
- ۲- دادستان - پریخ (۱۳۷۰) شکل گیری اضطراب در جریان تحول و بررسی تجربی آن در دوره نوجوانی - مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران شماره ۲ و ۱ سال ۲۹
- ۳- هیبت الهی سید محمد (۱۳۷۳)، بررسی سبک اسناد دانش آموزان با توجه به موفقیت و شکست تحصیلی بر اساس مدل اسنادی درماندگی آموخته شده در کلاسهای دوم راهنمایی شهرستان سنندج - پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت معلم دانشگاه علوم تربیتی
- ۴- شفیع آبادی - عبدالله، ناصری غلامرضا (۱۳۶۵). نظریه های مشاوره و روان درمانی - مرکز نشر دانشگاهی چاپ اول
- ۵- پورافکاری - نصرت اله (۱۳۷۳) - طبقه بندی اختلالات روانی DSM IV - چاپ اول

- ۶- پورافکاری - نصرت اله (۱۳۷۱) - خلاصه روانپزشکی (کاپلان و سادوک) جلد اول و دوم
- ۷- نجاریان، بهمن - اصغری مقدم، محمدعلی - دهقانی، محسن (۱۳۷۱) - روانشناسی مرضی، ایروین جی ساراسون - باربارا. آر ساراسون - انتشارات رشد چاپ اول
- ۸- سیف - علی اکبر (۱۳۷۰) - روانشناسی پرورشی (روانشناسی یادگیری و آموزشی) مؤسسه انتشارات آگاه - چاپ ۵
- ۹- پناهی شهری، محمود (۱۳۷۲) بررسی مقدماتی روایی، اعتبار و نرم یابی سیاهه حالت - صفت اضطراب (STAT-Y) پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی دانشگاه تربیت مدرس
- ۱۰- بیگدلی، ایمان اله (۱۳۷۲). بررسی آزمایشی سبک اسناد در الگوی درماندگی آموخته شده - پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی تربیت مدرس
- ۱۱- کریمی - یوسف (۱۳۷۳) - روانشناسی اجتماعی (نظریه ها، مفاهیم و کاربردها) چاپ رودکی نوبت اول
- ۱۲- بیگی خشایار، فیروز بخت، مهرداد (۱۳۷۳) روانشناسی تعامل اجتماعی (رفتار بین فردی)، جوزف پی فرگاس - انتشارات ابجد. چاپ اول
- ۱۳- جمعه پور، احمد (۱۳۷۰) - پردازش انتخابی اطلاعات در اختلال اضطراب منتشر و PTSD پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی انستیتو روانپزشکی
- ۱۴- فرح بیجاری - اعظم (۱۳۷۴) مقایسه نقش کانون توجه در سوگیری حافظه نمونه های افسرده و مضطرب - پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی دانشگاه الزهراء
- ۱۵- دلاور، علی (۱۳۷۱) روشهای آماری در روانشناسی و علوم تربیتی چاپ چهارم دانشگاه پیام نور
- ۱۶- عشایری، حسن و علیلو، مجید. (۱۳۷۳). بررسی آزمایشی اثر خلق بر حافظه - پژوهشهای روانشناختی دوره ۳ شماره ۱ و ۲
- ۱۷- دلاور، علی (۱۳۷۱) روشهای تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی چاپ چهارم دانشگاه پیام نور
- ۱۸- دلاور، علی (۱۳۷۲) آمار در علوم تربیتی و تربیت بدنی - لوئیس کوهن و میشل هالیدی انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی چاپ اول

- 19-** Ahrens. A.H & Haaga. D. (1993). The specificity of attributional style and expectations to positive and negative affectivity, depression and anxiety. *Cognitive Therapy and Research*. 17(1).
- 20-** Alden. L. E. S phillips . N. (1990) An Interpersonal analysis of social anxiety and depression. *Cognitive Therapy and Research*. 4(5).
- 21-** Alden. L(1987). Attributional responses of anxious Individuals to different patterns of social Feedback noting succeeds like improvement. *Journal of Personality & Social Psychology*. 52(1), P.100-106.
- 22-** Beck. & Brown. (1987). Differentiating anxiety and depression: A test of the cognitive content- specificity Hypothesis. *Journal of Abnormal psychology*. No/3, P. 179-183.
- 23-** Bell. D. Debora. J, Wessker. A.E. (1994). Attributional style of anxious children: Extensoins from cognitive theory and research on adult anxiety. *Journal of Anxiety Disorders*. Vol/8 (1).
- 24-** Bem. P.A. (1990). *Personality Social & Biological Perspectives on Personal Adjustment*.
- 25-** Bem. P.A. & Potkay. C.R. (1991). On the Arbitrary distinction between states and traits. *Journal of Personality & Social Psychology*. Vol/4, No/5, P.919-928.
- 26-** Brewin. C.R. (1985). depression and causal attribution: what is their relation? *Psychological Bulletin*. Vol/98, No/2.
- 27-** Brian. J.C, Swinson. R.P, Huch. K, Richman. J.T. (1993). self- report differentiation of anxiety & depression in an anxiety disorders sample. *Psychological Assessment*. Vol/5, No/4, P. 484-486.
- 28-** Brown. J.O, Siegel. J.M(1988). Attributions for nagative Life events and depression: The role of perceived control. *Journal of Personality & Social Psychology*. Vol/54, No/2, P.316-322.
- 29-** Bruch . M . A . (1992) . The

differential roles of attributions, self-efficacy expectations & outcome expectations within a self-presentational model of social anxiety. Thesis degree PHD.

30- Butch. B.A. (1992). The effects of attributional style & Life event on depression and anxiety in adolescence. Thesis degree PHD The Pennsylvania state university.

31- Curren. M.T. Harich. K.R. (1993) Performance Attributions: effects of mood and Involvement. Journal of Educational Psychology. Vol/85, No/4, P.605-609.

32- Demoss. K, Milich. R Demers. S. (1993). gender creativity. depression and attributional style in adolescents with high academic ability. Journal Abnormal Child Psychology. 21(4), P.455-467.

33- Dobson. K.S. (1985). The relationships between anxiety & depression. Clinical Psychology Review. Vol/5, P. 307-324.

34- Endlich. E. (1989). Depression &

attribution for problems & solutions in college students. Psychological Report. 65(1), P.131-141.

35- Feldman. L.A. (1993). distinguishing depression & anxiety in self-report: evidenc from confirmatory factor analysis on nonclinical & cilinical & samples. Journal of Consulting and Clinical Psychology. Vol/61, No.4.

36- Fiske. S.T. Taylor .S.E.(1991). Social Cognition. MC Graw Hill.

37- Forgas. J.P, Bower. G.H. (1990). Praise or blame? attective influences on attributions for achievement. Journal of Personality and Social Psychology. Vol/59, No.4,P. 809-819.

38- Ganellen. R.J. (1988). Specificity of attributions & overgenralization in depression & anxiety. Journal Abnormal Psychology. Vol/97(1), P.83-86.

39- Glanzmann. P.Laux. L. (1978). The effects of trait anxiety & two kinds of stressors on state anxiety & preformance. Stress & Anxiety. Vol/5,P.145-146.

40- Haggerty. S.B. (1991). Effects of attributional style & negative feedback on causal attributions, affect & athletic performance. Thesis PHD.

41- Hartlage. S, Stewart. A. (1990) Automatic Processing of attributional depressed cognitively depression prone individuals. Thesis degree PHD Northwestern university.

42- Harvey. J.H., Weary. G. (1984). Current issues in attribution theory and reserch. Anual Reviews Psychology. 35,P.427-459.

43- Hoffart. A, Martinsen. E.W. (1991). Causal attributions in clinical subtypes of depression A Longitudinal-study of inpatients. Journal of Psychopathology & Behvioral Assess. Vol/13, P.241-256.

44- Hull. J.G. Mendolia. M.(1991). Modeling the relations of atributional style, Expectancies & depression. Journal of Personality & Social Psychology. Vol/61,No/1, P.85-97.

45- Johnson. J.G. Miller. S.M. (1990) Attributional, Life- event & effective predictors of onset of depression anxiety & negative attributional style. Congnitive Therapy and Research. Vol/14, No/4,P.417-430.

46- Kaplan. S. (19). Psychological Testing. P.435-445.

47- Laden. M.A.(1981). The effect of attributional style chang on self- esteem and depression. Thesis degress PHD.

48- Mckeehan.J.C. (1990). Attributional style & self- esteem as a function of social anxiety. Thesis MS.

49- Minsky. S. (19). Social anxiety & causal attribution for social acceptance and rejection. Thesis degress. PHD.

50- Robins. C.J. (1988). Attributions & depression: why is the literature so inonsistent? Journal of Personality & Social Psychology. Vol/54.N0/5, P.880-889.

51- Sabogal. F. (1983). Psychological consequences of causal attributions of social success & failure: an analysis interms

of social anxiety (Locus of control, self-esteem, Emotions) Thesis degree PHD university of north Texas.

52- Stark, K.D, Humphrey. L. L., Laurent. J., Livingston. R, Christopher. J. (1993). Cognitive behavioral & family factors in the differentiation of depressive & anxiety disorders during childhood. Journal of Consulting and Clinical Psychology. Vol/61. No/5, P.878-886.

53- Taylor. L, Neman. S, Mangis. Swidander. M, Garibaldi. C, Aida. I, Tahmore. D., Tritak. D., Gittes. M.(1993). Gender and attribution: a reversal of bias? The Journal of Social Psychology. Vol/133.No/4.

54- Teglasi. H, Fagin S. (1984). Social anxiety & self- other biases in causal Attribution. Journal of Research in Persnality. Vol/18, No/1.

55- Torestad. B, Olah. A, Magnusson. D. (1989). Individual control, intensity of reactions & frequency of occurrence: An ampricical study of cross- culturally

invariant relationships. Perceptual & Motor Skills. Vol/68, P.1339-1350.

56- Weiner. B. (1989). An attributional theory motivation and emotion. motivation and emotion.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی